

# مذاکرات بین‌الافغانی؛ نگرانی‌ها و سناریوهای احتمالی



صفحه ۱

خبر

## تا بیستم حوت هیأت مذاکره کننده آماده می‌شود

آقای غنی، روز شنبه (۱۷ حوت) در مراسم افتتاح سال دوم دور هفدهم شورای ملی، تأکید کرد که مشوره‌های زیادی صورت گرفته و هیأت مذاکره‌کننده دولت افغانستان، تا بیستم ماه جاری آماده می‌شود. او افزود: «هیأت مذاکره‌کننده ما، زیر چتر دولت به مذاکرات خواهد رفت و از ارزش‌های جمهوری اسلامی دفاع می‌کند. در تعیین هیأت؛ موثرت، مشارکت، صلاحیت و معیارهای واضحی در نظر گرفته می‌شود و اعضای آن، باید مدافعان قانون اساسی، جمهوریت و حقوق مردم باشند».

آقای غنی، تأکید کرد که مجلس سنا دو عضو (یک زن و یک مرد) و مجلس نمایندگان پنج عضو (دو زن و سه مرد) را به منظور عضویت در شورای عالی مصالحه، به حکومت افغانستان معرفی کنند. او گفت که حکومت افغانستان، با درک درست از فرصت‌ها و خطرات پروسی صلح، خواستار آغاز مذاکرات بین‌الافغانی است.

رییس جمهور گفت: «تأکید و ایستادگی ما در پروسی صلح، هرگز به معنی مخالفت تلقی نشود؛ ما متعهد استیم که جلو خطرات ناشی از بازگشت احتمالی به جنگ دوام‌دار و بدون کنترل را که از طرف گروه‌های سازمان یافته بر ما تحمیل شده، بگیریم. ما خواهان ضمانت‌های منطقی و بین‌المللی در مبارزه با مواد مخدر و گروه‌های تروریستی استیم». او علاوه کرد که دولت متعهد است تا پروسی صلح را در مشوره با اقشار مختلف جامعه و جامعه جهانی، پیش برد. آقای غنی گفت: «دولت متعهد است تا در جریان مذاکرات، از پیشرفت‌های آن قدم به قدم نمایندگان مردم را آگاه ساخته و توافق‌نامه‌ی نهایی صلح را برای تصویب به پارلمان و در صورت نیاز به لویه جرگه ارائه کند». او گفت که نکات عمده‌ای به شمول پناهگاه‌های طالبان در بیرون، نیاز به مذاکرات بیشتر دارد. آقای غنی، گفت که خواست طالبان برای آزادی پنج هزار زندانی، پیش از آغاز مذاکرات امکان‌پذیر نیست و مردم باید مطمئن شوند که با آزادی این افراد، پروسی صلح با مشکل مواجه نخواهد شد. «خواست مردم این است که در این زمینه، ضمانت اجرایی وجود داشته باشد تا این افراد به خشونت متحول نشوند». او تأکید کرد که تعهد جامعه جهانی و ایالات متحده‌ی آمریکا برای تمویل، تجهیز و آموزش نیروهای امنیتی و دفاعی، پابرجاست.

## ویروس کرونا در افغانستان وارد مرحله گردش اجتماعی شده است

وزارت صحت عامه‌ی کشور اعلام کرد که ویروس کرونا در افغانستان تا کنون وارد مرحله گردش در جامعه نشده و در صورتی که این روند حفظ شود، وضعیت قابل کنترل خواهد بود. فیروزالدین فیروز، وزیر صحت عامه که دیروز (شنبه، ۱۷ حوت) در یک نشست خبری صحبت می‌کرد، همچنان گفت که تا کنون چهار واقعه‌ی مثبت ویروس کرونا در هرات به ثبت رسیده است. آقای فیروز گفت که افراد مبتلا به ویروس کرونا از ایران به هرات آمده بودند که در حال حاضر در بخش تجرید شفاخانه حوزوی شهر هرات تحت مراقبت جدی قرار دارند. او تأکید کرد که انتشار ویروس کرونا هنوز در جامعه منتشر نشده و واقعاتی که از بیرون وارد کشور می‌شوند، امکان کنترل آن وجود دارد و زیاد قابل نگرانی نیست.

وزیر صحت عامه از همکاری رسانه‌ها، عالمان دین، فعالان جامعه مدنی و... در زمینه‌ی آگاهی‌دهی برای جلوگیری از شیوع ویروس کرونا قدردانی کرد. او تأکید کرد در صورتی که این همکاری‌ها بیشتر شود، امکان توقف ویروس کرونا در کشور نیز وجود دارد. آقای فیروز در بخشی از صحبت‌هایش گفت که در قدم اول باید کارمندان بخش صحتی و در قدم دوم از طریق کارمندان صحتی، مردم عام از ویروس کرونا محافظت شوند. او از مردم خواست که از هر گونه تجمعات در شهر هرات خودداری کنند. وزیر صحت در عین حال گفت که سر از فردا یک‌شنبه تمامی مراکز سرپوشیده در شهر هرات دواپاشی خواهد شد. تا صبح دیروز شنبه تعداد مجموعی واقعات مشکوک به ویروس کرونا در کشور به ۱۱۹ مورد رسیده بود. از این میان چهار مورد مثبت و ۱۱۵ مورد دیگر منفی تشخیص شده است. وزیر صحت در این نشست خبری همچنان گفت که شمار دیگری از واقعات مشکوک به ویروس کرونا به تازگی به لابراتوارهای مرکزی این وزارت رسیده است. او هر چند آمار مشخص ارائه نکرد، اما گفت که نتایج آن به‌زودی مشخص می‌شود. فیروز ابراز امیدواری کرد که نتایج واقعات تازه منفی باشد.

## تیراندازی بر مراسم سالیاد شهید مزاری باید به صورت همه جانبه بررسی گردد

محمد محقق و کریم خلیلی، رهبران احزاب وحدت اسلامی افغانستان خواهان بررسی همه جانبه تیراندازی روز گذشته بر مراسم سالیاد عبدالعلی مزاری در غرب کابل شدند. محقق دیروز شنبه (۱۷ حوت) در یک نشست مشترک با کریم خلیلی گفت که نیاز به بررسی همه جانبه رویداد دیروز در کابل است که باید از نهادهای مختلف در آن عضو باشند.

محقق تأکید کرد: «بی مسوولیتی در مقابل خون مردم یک فاجعه است». معاون ریاست اجرایی حکومت افزود، بر اساس آمارهای نهادهای مستقل، در رویداد روز جمعه در کابل بیش از ۷۰ تن جان باخته و بیش از ۸۰ تن دیگر زخمی شده‌اند. محقق اضافه کرد که در تیراندازی روز گذشته علیرغم دست‌های بیرونی، دست‌هایی در داخل نیز دخیل است. او هم‌چنان از عمل‌کرد حکومت نسبت به برخورد با این رویداد انتقاد کرد و گفت: «کشتن مردم هزاره در افغانستان فرهنگ سازی می‌شود». محقق هم‌چنان تأکید کرد: «جامعه جهانی خجالت بکشد». از سوی هم کریم خلیلی در این نشست گفت، ارگان‌های امنیتی نباید حمله روز گذشته را توجیه کنند. خلیلی تأکید کرد که حکومت باید پاسخ حمله دیروز را بدهد؛ زیرا ارگان‌های امنیتی در مورد امنیت مراسم اطمینان داده بودند.

## کرونا در ۹۲ کشور؛ کره جنوبی پس از چین دومین کشور از نظر تعداد مبتلایان به این ویروس

دولت ایتالیا اعلام کرد، که برای مقابله با شیوع گسترده ویروس جدید کرونا در این کشور ۲۰ هزار پزشک و پرستار دیگر به کمک کارکنان بخش پزشکی در بیمارستان‌ها خواهند رفت. هیأت دولت ایتالیا همچنین تصمیم گرفته است، که شمار تخت‌خواب‌های بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها را از پنج هزار به ۷۵۰۰ تخت‌خواب افزایش دهد.

دولت ایتالیا اعلام کرد، که برای مقابله با شیوع گسترده ویروس جدید کرونا در این کشور ۲۰ هزار پزشک و پرستار دیگر به کمک کارکنان بخش پزشکی در بیمارستان‌ها خواهند رفت. هیأت دولت ایتالیا همچنین تصمیم گرفته است، که شمار تخت‌خواب‌های بخش مراقبت‌های ویژه بیمارستان‌ها را از پنج هزار به ۷۵۰۰ تخت‌خواب افزایش دهد. بنا به تصمیم دولت ایتالیا امکان استفاده از پزشکان بازنشسته این کشور وجود خواهد داشت. شیوع ویروس جدید کرونا در ایتالیا تاکنون جان ۱۹۷ نفر را در این کشور گرفته است. این در حالی است، که شمار مبتلایان به «کووید ۱۹» در ایتالیا ۴۶۳۶ نفر است. مرگ دو بیمار مبتلا به ویروس کرونا در فلوریدا مقامات ایالت فلوریدا اعلام کردند، که دو بیمار مبتلا به «کووید ۱۹» جان خود را در این ایالت از دست داده‌اند. به گفته مقامات فلوریدا

بنا به اعلام سازمان جهانی صحت تاکنون موارد ابتلا به نوع جدید ویروس کرونا در ۹۲ کشور به ثبت رسیده است. بیماری «کووید ۱۹» که علائم آن پس از ابتلای افراد به ویروس جدید کرونا ظهور می‌کند تاکنون جان نزدیک به ۳۵۰۰ نفر را در سراسر جهان گرفته است. کرونا در کره جنوبی؛ بیش از ۷ هزار مبتلا و ۴۶ کشته

مقامات کره جنوبی روز شنبه اعلام کردند، که شمار مبتلایان به نوع جدید ویروس کرونا در این کشور از مرز هفت هزار نفر عبور کرد. تعداد مبتلایان به این ویروس در کره جنوبی نسبت به روز جمعه ۴۴۸ نفر افزایش یافته است. بنا به اعلام مسوولان کره جنوبی بیماری «کووید ۱۹» تاکنون جان ۳۶ نفر را در این کشور گرفته است. کره جنوبی پس از چین دومین کشور از نظر تعداد مبتلایان به ویروس جدید کرونا است.

ایتالیا ۲۰ هزار پزشک و پرستار دیگر را به بیمارستان‌ها فراخواند

## حمله‌ی تروریستی دیگر؛ عمق فاجعه تا کجاست؟



صفحه ۱۲

## تاریخ بشر با روایت جدید از یووال نوح هراری



صفحه ۳

## خطر تروریسم فرقه‌گرا جدی گرفته شود



صفحه ۱



## خطر تروریسم فرقه‌گرا جدی گرفته شود

مراسم یادبود شهید مزاری، هدف حمله تروریستی قرار گرفت. تروریستان با پناه گرفتن در داخل یک ساختمان مسلط بر محل برگزاری مراسم، بر اشتراک‌کنندگان گلوله‌باری کردند. مراسم نیمه‌تمام ماند. بیش از ۷۰ نفر زخمی و نزدیک به ۳۵ تن کشته شدند. با توجه به وضعیت بد صحنه تعدادی از زخمی‌ها، احتمال می‌رود آمار قربانیان بالا برود. سیاسیون حاضر در مراسم، آسیب ندیدند.

واکنش‌ها در برابر این رخداد، جدی و تند بوده است. رهبری حکومت، سیاسیون، مقام‌های ارشد نهادهای امنیتی و تعدادی از کشورهای و نهادهای بین‌المللی، در محکومیت حمله، اعلامیه دادند. عده‌ای از سیاسیون حاضر در مراسم، با انتقاد از عمل کرد ضعیف نیروهای امنیتی، نوعیت حمله را مشکوک و پرسش‌برانگیز خوانده و خواستار تحقیق بی‌طرفانه در پیوند به این رخداد شده‌اند. طالبان رفع مسوولیت کرده و گفته در حمله بر مراسم یاد بود مزاری دست ندارند. داعش مدعی شده، که حمله کار اعضای این گروه است.

اکنون فضای سیاسی ملتهب است. چهره‌های اپوزیسیون، نسبت به مسوولان نهادهای امنیتی و رهبری حکومت بی‌اعتماد به‌نظر می‌رسند. حکومت با محکوم کردن حمله، اعلام کرده است، که در مورد تحقیق می‌کند. قرار معلوم، رهبری حکومت و مسوولان نهادهای امنیتی از پیامدهای این رویداد نگران هستند، به‌همین دلیل در دو روز گذشته تلاش کردند، فضای عمومی را مدیریت کنند و نگذارند انگشت اتهام به‌سوی آنان نشانه گرفته شود. رهبران ستاد برگزاری مراسم دیروز شنبه، هفدهم حوت در یک نشست خبری گفتند، که حکومت و نهادهای امنیتی مسوول اند تا زمینه‌ی بررسی بی‌طرفانه و معیاری چگونگی حمله بر مراسم را فراهم کنند.

غرب کابل، پس از نزدیک به یک سال آرامش نسبی، بار دیگر گواه رویداد المناک بود. مردم این بخشی از شهر، در جریان چندسال گذشته، چندین بار هدف حملات تروریستی قرار گرفتند. ماهیت این حملات فرقه‌گرایانه بوده و دامنه‌ی آن گسترده. براساس گزارش‌ها، در این مدت نزدیک به ۵۰ حمله‌ی تروریستی بر اماکن مذهبی، مراکز فرهنگی و آموزشی، تجمعات اعتراضی و همایش‌های سیاسی سازمان‌دهی شده است.

حمله‌ی دو روز پیش (جمعه، ۱۶ حوت) ادامه‌ی همین حملات تروریستی است، که هدف فرقه‌گرایانه و ماهیت سیاسی دارد. در این سلسله حملات، کتله‌ی قومی خاصی در کشور هدف قرار داده شده است. سازمان‌دهندگان این حملات، هدف مشخص و واضح دارند. آنان می‌خواهند، تروریسم فرقه‌ای را در منازعه‌ی افغانستان دخیل کنند و با استفاده از فضای موجود بر آتش عصبیت قومی و فرقه‌ای نهفته در جامعه، روغن بپاشند. درک این واقعیت، برای تمامی مردم، سیاسی و غیرسیاسی ساده است. بدون شک حکومت و نهادهای امنیتی نیز اهداف نهفته پشت این حملات را به‌خوبی تجزیه و تحلیل کرده‌اند. تمامی کسانی که به فرهنگ هم‌زیستی مسالمت‌آمیز و نظم جمهوری معتقدند و از جنگ متنفر، حساسیت اوضاع را درک می‌کنند و حتمن می‌دانند که برای مهار وضعیت و از بین بردن بی‌اعتمادی موجود، باید در زمینه تحقیق شود، سرخ‌ها بررسی گردد و دست‌های پنهان پشت این حملات نخست آشکار و سپس قطع گردد.

مأمور این کار حکومت است. رهبری حکومت و مسوولان نهادهای امنیتی، مطابق به قانون مسوولیت دارند، حمله‌ی تروریستی بر مراسم یادبود شهید مزاری را جدی بگیرند، تحقیقات را آغاز کنند و گام‌به‌گام نتایج آن را با مردم شریک سازند. مردم حق دارند، بدانند، که چه گروه و کدام جریان، با حمایت کدام شبکه‌ی تروریستی - استخباراتی جان آنان را هدف گرفته و به دنبال نابود کردن زمینه‌های هم‌زیستی مسالمت‌آمیز در افغانستان اند. مردم باید آگاه ساخته شوند. مسوولیت این کار با حکومت است. حکومت باید روشن سازد، که نتایج یافته‌های هیأت‌های حقیقت‌یاب گذشته، که مسوولیت تحقیق حملات مشابه تروریستی را به‌دوش داشته، چه بوده‌اند؟ هم‌چنان حکومت باید صادقانه نتایج تحقیقات‌شان را در مورد حمله‌ی تروریستی اخیر با مردم شریک کند. این کار یک ضرورت جدی است. نباید غفلت شود.

# مذاکرات بین‌الافغانی؛ نگرانی‌ها و سناریوهای احتمالی

اسحق‌علی احساس



**اما آیا طولانی‌شدن مذاکرات بین‌الافغانی به‌نفع افغانستان است؟ به‌نظر می‌رسد، با طولانی‌شدن گفت‌وگوهای بین‌الافغانی افغانستان ضرر می‌کند. به‌هر میزان که زمان مذاکرات بین‌الافغانی طولانی شود، جنگ تغییر شکل پیدا می‌کند و فرصت دخالت شبکه‌های استخباراتی و تروریستی در منازعه‌ی افغانستن بیشتر می‌شود.**

دوم: سناریوی دیگر این است، که اعضای رهبری طالبان هم‌زمان با مذاکرات بین‌الافغانی، ماشین جنگی‌شان را بیشتر از پیش فعال کنند. در میز مذاکره، با استفاده از پراکندگی سیاسی موجود میان قشر سیاسی و حکومت، در خفا با اعضای هیأت مذاکره‌کننده وارد معامله شوند و جریان مذاکرات را به‌سمت و سویی بکشاند، که در متن آن تصمیم‌گیرنده تنها طالبان است. براساس این سناریو، طالبان به‌دنبال تشکیل یک ساختار شبیه جمهوری اسلامی ایران در افغانستان خواهد بود. قندهار محل اقامت رهبر/امیر دولت خواهد بود و کابل مرکز حکومت. سه‌ولایت هرات، قندهار و بلخ به‌عنوان مراکز تبلیغ و ترویج بنیادگرایی دینی-مذهبی در نظر گرفته خواهد شد. ماشین جنگی طالبان جدا از بدنه‌ی ارتش ملی حفظ خواهد ماند و جایگاه آن در آینده چون سپاه پاسداران ایران نسبت به نهادهای ملی امنیتی، برآورده و ممتاز خواهد بود. هم‌چنان دو نهاد مهم دولتی، وزارت خارجه و وزارت دفاع در کنترل طالبان قرار خواهد گرفت و این گونه سیاست خارجی و وضعیت داخلی افغانستان متأثر از دیدگاه و خواست طالبان خواهد شد. هرگاه این سناریو عملی شود، نهادهای ملی تأمین امنیت، زیر سایه‌ی ماشین جنگی امارت اسلامی قرار خواهد گرفت و این ماشین جنگی در امور داخلی و خارجی دست برتر از نهادهای ملی امنیتی خواهد داشت و فضای مانوردهی آن گسترده خواهد بود. پیش‌بینی‌هایی در این زمینه وجود دارد، که نشان می‌دهد، یکی از کشورهای اثرگذار منطقه بر امور افغانستان، حامی این سناریو است. هرگاه چنین شود، حکومت افغانستان بار دیگر سقوط خواهد کرد و کابل چون جریان جنگ‌های داخلی افغانستان در آتش خواهد سوخت.

اکنون این پرسش مطرح می‌شود، که راه حل چیست؟ به‌نظر می‌رسد، پروسه‌ی صلح افغانستان بیشتر از هر زمان دیگر پیچیده شده است. طالبان با توجه به یازده‌دوره مذاکره با امریکایی‌ها، از تجربه و مهارت کافی در گفت‌وگو برخوردار هستند. با توجه به چنین وضعیتی، جانب افغانستان یک راه بیشتر ندارد. این که مخالفت‌ها را کنار بگذارند، زیر چتر نظام جمهوری جمع شوند، به‌صورت یک‌دست از نهادهای ملی تأمین امنیت دفاع کنند و در میز مذاکرات نیز از آدرس واحد و از موضع قدرت با جانب مقابل وارد گفت‌وگو شوند. این کار فرصت مانوردهی را از طالبان می‌گیرد و انگیزه‌ی نیروهای ارتش را چند برابر می‌کند. هم‌چنان جانب افغانستان از کشورها و نهادهای بین‌المللی بخواد، که از عملی شدن گام‌به‌گام مفاد توافق‌نامه نظارت کنند. از طالبان و حامیان منطقه‌ای این گروه تضمین بگیرد که در امور افغانستان مداخله نمی‌کنند و به مواد موافقت‌نامه متعهد باقی می‌مانند. راه دیگری نیست. افغانستان خاطرات تلخ بسیاری از موافقت‌نامه‌های صلح دارد. این خاطرات نباید تکرار شود.

دخیل در سیاست افغانستان برای تهیه و نهایی‌سازی فهرست هیأت مذاکره‌کننده نیز نتیجه ندهد. اکنون فرصت محدود شده است. با توجه به اختلافات جدی میان حکومت، احزاب و چهره‌های سیاسی، نمی‌توان به تشکیل این هیأت در آینده‌ی نزدیک خوشبین بود. تأخیر در آغاز مذاکرات بین‌الافغانی در کنار این که فرصت انتقاد و مانوردهی بیشتر به‌طالبان می‌دهد، زمینه‌ی تشکیل هیأت همه‌شامل افغانستانی را نیز محدودتر می‌کند و اختلافات را افزایش می‌دهد. با این اوصاف دو سناریو قابل پیش‌بینی است:

اول: واکنش پیروزمندانه‌ی طالبان از امضای موافقت‌نامه‌ی صلح و مخالفت غنی با راهی پنج‌هزار زندانی طالبان از سوی حکومت قبل از آغاز مذاکرات بین‌الافغانی، نشان‌دهنده‌ی آن است، که دو طرف می‌خواهند جریان مذاکرات بین‌الافغانی را طولانی کنند. از نظر طالبان، به‌هر میزانی که مذاکرات بین‌الافغانی با تأخیر آغاز شود و دیرتر به‌نتیجه برسد، زمان خروج نیروهای خارجی از افغانستان نزدیک‌تر می‌شود. براساس توافق‌نامه‌ی امضاشده میان امریکا و گروه طالبان، تا ۱۴ ماه دیگر نیروهای خارجی افغانستان را ترک می‌کنند. با طولانی‌شدن مذاکرات بین‌الافغانی و تکمیل‌شدن زمان خروج نیروهای خارجی از افغانستان، در شرایطی که نیروهای ارتش افغانستان حمایت نیروهای ائتلاف بین‌المللی را از دست خواهند داد، جنگ‌جویان طالبان به‌آسانی می‌توانند، با اعمال فشار بر نیروهای ارتش، از موضع بهتر نسبت به جانب افغانستان در مذاکرات صلح برخوردار شوند. در این صورت، اعضای رهبری طالبان با خیال راحت‌تر می‌توانند، اهداف‌شان را دنبال کنند و زمینه‌ی تسلط‌شان بر امور افغانستان را بیشتر نمایند. به‌همین دلیل طالبان دوست دارد، مذاکرات بین‌الافغانی طولانی شود. حکومت نیز به‌دنبال طولانی‌کردن مذاکرات بین‌الافغانی است. قرار معلوم رهبری حکومت به این نظر است، که با طولانی‌شدن مذاکرات، تنش‌های سیاسی فرو خواهد نشست و افغانستان از انسجام داخلی بیشتری برخوردار خواهد شد. در این صورت، حکومت در کنار این که حمایت مردم را با خود دارد و از انتخابات موفق عبور کرده است، در میز گفت‌وگوها دست باز خواهد داشت و در جانب دیگر پراکندگی گروهی در میان طالبان بیشتر خواهد شد. با توجه به این احتمالات، حکومت دوست دارد، مذاکرات بین‌الافغانی طولانی شود.

اما آیا طولانی‌شدن مذاکرات بین‌الافغانی به‌نفع افغانستان است؟ به‌نظر می‌رسد، با طولانی‌شدن گفت‌وگوهای بین‌الافغانی افغانستان ضرر می‌کند. به‌هر میزانی که زمان مذاکرات بین‌الافغانی طولانی شود، جنگ تغییر شکل پیدا می‌کند و فرصت دخالت شبکه‌های استخباراتی و تروریستی در منازعه‌ی افغانستن بیشتر می‌شود. لذا خوب است، هرچه زودتر گفت‌وگوها آغاز شود و راه حل سیاسی برای پایان دادن به‌جنگ جست‌وجو گردد.

تا این‌جای کار، گروه طالبان پیروز میدان است. اعضای دفتر سیاسی این گروه در جریان هژده‌ماهه گفت‌وگو، جانب افغانستان را از متن پروسه‌ی صلح دور نگاه‌داشتند و مذاکرات‌شان را به‌شکل دوجانبه با امریکایی‌ها به‌پیش بردند. زمانی که گام‌های عملی پروسه‌ی صلح آغاز شد، با وصف آن که حکومت افغانستان بر اعلام آتش‌بس تأکید داشت و گزینه‌ی کاهش خشونت را بی‌مفهوم می‌خواند، طالبان اما از خود مقاومت نشان داد و با تغییر اصطلاحی جزبی، گزینه‌ی «کاهش چشم‌گیر خشونت‌ها» را به‌جای آتش‌بس عملی کرد.

در ختم هفته‌ی کاهش چشم‌گیر خشونت‌ها، موافقت‌نامه‌ی صلح امضا شد. محفل امضای موافقت‌نامه باشکوه بود. نمایندگان بیش از سی کشور و نهاد بین‌المللی در این محفل حضور داشتند. با امضای این توافق‌نامه، طالبان در کنار این که به‌مشروعیت جهانی دست یافت و با امریکا کنار آمد، جانب افغانستان را منزوی نشان داد و خودشان را پیروز میدان. درست در چنین فضایی است، که رهبری، اعضای دفتر سیاسی و جنگ‌جویان طالبان، امضای موافقت‌نامه‌ی صلح با امریکا را پیروزی بزرگ می‌گویند. شریک اصلی این پیروزی پاکستان است. ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی نشر شده نشان می‌دهد، که در بخش‌های از پاکستان مردم این کشور به‌کوچه و خیابان آمده و با راه‌اندازی رقص و پایکوبی، پیروزی طالبان را جشن گرفته‌اند. مسوولان حکومتی، ارتش و سازمان استخباراتی این کشور حس مشابه دارند. شاه‌محمود قریشی، وزیر خارجه‌ی پاکستان در ختم محفل امضای موافقت‌نامه، حین احوال‌پرسی با ملا عبدالغنی برادر معاون طالبان و اعضای دفتر سیاسی این گروه، با احساس شادی برانگیز و پیروزمندانه، امضای موافقت‌نامه‌ی صلح میان امریکا و طالبان را به اعضای حاضر این گروه مبارک گفت. درست همین‌جاست که پروسه‌ی صلح مبهم به‌نظر می‌رسد.

اکنون مرحله‌ی دوم پروسه‌ی صلح (گفت‌وگوهای بین‌الافغانی) در راه است. براساس متن توافق‌نامه‌ی صلح میان امریکا و گروه طالبان، تا دو روز دیگر (دهم مارچ) باید این گفت‌وگوها آغاز شود. اعضای دفتر سیاسی گروه طالبان اعلام کرده‌اند، که آنان منتظر هستند تا مذاکرات بین‌الافغانی در تاریخ توافق‌شده آغاز شود. در جانب افغانستان اما وضعیت پیچیده به‌نظر می‌رسد. تلاش‌های ابتدایی برای تشکیل هیأت مذاکره‌کننده نتیجه نداشته است. اختلافات میان قشر سیاسی و رهبری حکومت در پیوند به چگونگی تشکیل هیأت پا برجا است. حکومت تأکید دارد، که اعضای هیأت حداکثر هشت نفر و بیشتر افراد تخنیک‌ی باشد. چهره‌های سیاسی نظر متفاوت دارند و می‌گویند، اعضای هیأت باید افراد تأثیرگذار بر امور افغانستان باشند، تا بتوانند با طالبان چانه‌زنی کنند و به‌توافق برسند. این اختلافات باعث شده است، که تلاش‌های زلمی خلیل‌زاد مبنی بر ترغیب طرف‌های

## «سقوط کابل؛ آخرین روزهای اپریل ۱۹۹۲»

«رهبران تنظیم‌های مجاهدین هنوز در مورد تشکیل حکومت موقت به نتیجه‌ای نرسیده‌اند. اما در کابل آرامش حکم فرماست. گرچه مردم نگرانند، عده‌ای شهر را ترک می‌کنند، ولی بسیاری نمی‌دانند که چه کاری باید بکنند.

مردم به تغییر رژیم‌های سیاسی عادت کرده‌اند. کودتاهای پی‌درپی در دودهی‌های گذشته حداقل بساط چهار دولت را برچیده است، اما این بار سخن از کودتا نیست. هزاران تن از مجاهدین آماده‌ی حمله به کابل‌اند. برای بسیاری از آن‌ها کابل سنگر دشمن است، که به‌گفته‌ی ژنرال ضیاءالحق باید در آتش بسوزد. گلبدین حکمتیار، رهبر حزب اسلامی مکرراً تهدید کرده است، که اگر شرایط او پذیرفته نشود، روز یکشنبه، بیست‌وپنجم اپریل (آوریل) حمله خواهد کرد. این تهدید قبل از همه متوجه رقیب او احمدشاه مسعود بود، که بخش بزرگ‌تر نیروهای دولت کابل در اتحاد با او قرار گرفته بودند. در پاسخ به این تهدید، احمدشاه مسعود از طریق ارتباط بی‌سیم از گلبدین حکمتیار خواست تا از حمله‌ی روز یکشنبه به کابل صرف‌نظر کند. او به حکمتیار گفت، حمله‌ی شما سبب درگیری شدید و هرج‌ومرج در کابل خواهد شد:

«تهدید کردید، که به‌روز یکشنبه حمله‌ی نظامی به کابل بکنید و من قسمی که در گذشته هم در این گپ‌های خود صریح بودیم، حالا هم به‌صراحت می‌گویم، که نشود خدای ناخواسته حمله‌ی شما بر کابل باعث درگیری بسیار شدیدی بین خود مجاهدین شود؛ چرا وقتی که یک‌طرفه داخل کابل ساخته شود، گروه‌های مختلفی داخل کابل می‌شوند، هرج‌ومرج که در کابل ایجاد می‌شود، به‌یقین که بگویند نگویین منجر به برخوردی بین مجاهدین خواهد شد و بهتر است، که شما مسئله را همین حالا به من اطمینان بدهید، که روز یکشنبه حمله‌ی وجود ندارد، قسمی که من از این طرف، سر این مسایل به‌شما اطمینان دادم که حمله‌ی وجود ندارد، که ما در فکر کارهای دیگری نشویم، انشاءالله شنیده شد؟» حکمتیار: «من شنیدم، ولی من از طرف خود عرض می‌کنم، که این فیصله‌ی ماست. به‌همه‌ی جبهات هدایت صادر شده. وقتی که تهدید شده، سنجیده و دقیق انتخاب شده و تا زمانی که حالتی ایجاد نشود، که در نتیجه‌ی آن ضرورت عملیات را فرد فرد مجاهدین ما منتفی بشمارد، ما شاید قادر به تأخیر و تعجیل در این وقت محدث نداشته باشیم.»

احمدشاه مسعود: «معنی این گپ این است، که روز یکشنبه حتماً شما حمله می‌کنید تا من آمادگی بگیرم.»

حکمتیار: «آمادگی برای چه؟»

احمدشاه مسعود: «آمادگی برای دفاع از مردم کابل، زن کابل، مرد کابل، خرد و کلان کابل، آمادگی برای دفاع از همین ملت مظلوم...»

در این میان رهبران مجاهدین سرانجام در بیست‌وچهارم اپریل (آوریل) ۱۹۹۲ شورای پنجاه‌ویک نفری را در پاکستان به‌وجود آوردند، که باید قدرت را به‌عنوان حکومت موقت در دوره‌ی انتقال به‌دست می‌گرفت. رهبری این شورا در دو ماه اول به صیغ‌الله مجددی و در چهار ماه بعد به برهان‌الدین ربانی محول شد. اما قبل از این که این شورا وارد کابل شود، جانشینان رییس‌جمهور نجیب‌الله، در دو خط، ارتباط شان را با نیروهای احمدشاه مسعود و گلبدین حکمتیار و برخی گروه‌های دیگر تحکیم می‌بخشیدند.

در بیست‌وپنجم اپریل (آوریل) دیگر جنگ آغاز شده بود. نیروهای حزب اسلامی از یک‌سو و نیروهای ارتش و ائتلاف شمال از سوی دیگر برای به‌دست‌گرفتن کنترل پایتخت وارد نبرد سهمگینی شدند. آرامش شهر در زیر شلیک تانک‌ها و توپ‌خانه‌ی سنگین برهم خورده بود، جنگ وحشت‌ناکی که کابل نظیر آن را در طول این سده به‌خاطر نداشت. اعضای حکومت مجاهدین در پاکستان خود را برای رفتن به کابل آماده می‌کردند.»

منبع: افغانستان در قرن بیستم، ظاهر طنین، انتشارات عرفان، صص ۲۸۳-۲۸۶

## حمله‌ی تروریستی دیگر؛ عمق فاجعه تا کجاست؟



**اگر درد مشترک را به عنوان یک واقعیت مفهومی در بحث ملت‌شدن در نظر بگیریم، بیایم صادقانه و واقعیت‌ناز از خود و جامعه‌ی پیرامون خویش بپرسیم که آیا ما ملت واحد هستیم؟**

ملت‌شدن در نظر بگیریم، بیایم صادقانه و واقعیت‌ناز از خود و جامعه‌ی پیرامون خویش بپرسیم که آیا ما ملت واحد هستیم؟

هم‌چنین کنفرانس مطبوعاتی آقایان خلیلی و محقق دیروز شنبه (۱۷ حوت) نشان می‌دهد که برخی سوال‌های آنان هنوز از سوی ارگان‌های کشفی و امنیتی بدون پاسخ مانده است. ارگان‌های امنیتی مسوولیت دارند تا براساس اتفاقاتی که در اطراف مصلی رخ داده است، تحلیل‌شان را با رسانه‌ها و شبکه‌های اجتماعی شریک ساخته و از واقعیت‌های پیدا و پنهان این حادثه جزئیات دهند.

در کنار این موارد، آنچه مهم است، نبود درک واحد از ارزش‌های ملی و احترام به همه شهروندان به عنوان بخشی از جامعه که دارای حقوق شهروندی بوده، می‌باشد. متأسفانه جامعه‌ی ما هرچه قدر که بگویم به ملت‌شدن رسیده‌ایم و پروسه دولت‌ملت‌شدن را می‌پیمایم، هنوز نه تنها به این پروسه نزدیک نشده‌ایم؛ بلکه بر طیل شکاف قومی و سیاسی در کشور کوبیده‌ایم.

برخورد دوگانه سردمداران نظام سیاسی در مقاطع مختلف است. وقتی یک سیاست‌مدار آمریکایی از نبود ملت واحد تحت چتر نظام سیاسی افغانستان یاد می‌کند، همه با صدای رسا او را متهم به مداخله و نبود اطلاعات کافی از افغانستان می‌کنیم، اما زمانی که واقعیت عینی کشور را از عینک ریالیستی می‌نگریم، به وضوح شاهد عدم ملت واحد به نام ملت افغانستان هستیم. از میان تعاریف مختلف پیرامون بحث ملت به‌عنوان یک پارادایم جدید در علم حقوق بین‌الملل، شاید خوب‌ترین تعریف از ملت همان تعریف فرانسوی از کلمه ملت است، که ملت را حاوی مجموعه‌ای از افراد همسو و دارای ارزش‌های مشترک برای رسیدن به اهداف مشترک تعریف می‌کند. درکنار این تعریف با توجه به پیشرفت علم و تکنولوژی در عصر کنونی، برخی از دانشمندان حقوق بین‌الملل، معتقدند که در تعریف ملت باید «احساس مشترک و درد مشترک» نیز گنجانده شود تا از بار معنایی بیشتری برخوردار گردد.

اگر درد مشترک را به عنوان یک واقعیت مفهومی در بحث



## تاریخ بشر با روایت جدید از یووال...

همدیگر برای جمع‌آوری غذا می‌رفتند، از محدوده‌ای که آن را قلمرو زندگی گروه می‌دانستند به‌صورت جمعی دفاع می‌نمودند. شکار دسته‌جمعی را ترتیب می‌دادند و به‌شکل جمعی از آن مستفید می‌شدند. این شاخص‌های زندگی نشان‌دهنده‌ی این است، که انسان‌ها از کهن‌ترین دوران تاریخ به‌شکل اجتماعی زیست داشته‌اند. اجتماع انسانی متناسب با تکامل نژادی آن رو به ترقی بوده و فرایند کمال را پیموده است. برای زندگی جمعی لاجرم قوانین و مقررات نیاز است تا نظم جمعی به وجود آید و هریکی از افراد انسانی بتوانند در آن اجتماع زندگی نمایند. پس زندگی جمعی و یا گروهی، تقریباً هم‌زاد بشر، در تاریخ آن است.

شدند. آغاز آفرینش بشریت را در روی زمین مربوط به ۲٫۵ میلیون سال پیش از امروز می‌دانند. این انتروال زمانی در مقایسه با عمر جهان فرصت زمانی اندک است، که در آن انواع انسانی در دایره‌ی زیست‌شناسی قدرت مانور را دارد. در تداوم زندگی نوع از انسان به گفته‌ی هراری (انسان خردمند) تاریخ می‌سازد و این مربوط هفتاد هزار سال قبل از امروز است. به‌هرحال انسان‌ها در جریان زیست‌شان به‌شکل گروهی زندگی داشته و نخستین جایگاه ایشان میان جنگل‌ها و فضای آزاد طبیعی بوده است. گروه انسانی که با هم زندگی داشتند عضو و اجزای بودند، که از روحیه‌ی آشنایی و خودی برخوردار بودند. با کمک

حوالی ساعت یازده‌ونیم قبل از ظهر جمعه، ۱۶ حوت مهاجمان مسلح با ورود بر ساختمان نیمه‌کاره در نزدیکی مصلای شهید مزاری در غرب کابل بر اشتراک‌کنندگان مراسم یادبود شهید مزاری تیر اندازی نمودند. در این حمله براساس آمار نشر شده ۳۲ نفر کشته و ۶۱ تن دیگر زخمی شدند. این مراسم که همه‌ساله از سوی برخی شخصیت‌های سیاسی در غرب کابل برگزار می‌گردد، از سه‌سال به این طرف پیوسته آماج حمله از سوی تروریستان قرار می‌گیرد. شمار قربانیان در حملات سال‌های گذشته، نسبت به حمله‌ی اخیر اندک بوده است.

در مراسم روز جمعه شماری از سیاست‌گران کشور و مقامات بلند پایه‌ی حکومتی حضور داشتند. براساس فایل‌های تصویری ضبط شده از محل وقوع رویداد، اولین تیر اندازی در جریان سخنرانی محمد کریم خلیلی، رهبر حزب وحدت اسلامی افغانستان شروع شد. دقایق بعد از شروع حملات مهاجمان بر غیرنظامیان در مصلی شهید مزاری، شماری از افراد نزدیک به آقایان خلیلی و محقق در صفحات فیسبوک‌شان خبر صحت‌مندی چهره‌های سیاسی حاضر در مراسم را همگانی ساخت. این افراد با خوشحالی هرچه تمام نوشتند که: «نگران نباشید رهبران تان سالم اند». چنین متن‌ها در شبکه‌های اجتماعی به‌صورت گسترده منتشر شد و واکنش‌های را نیز به همراه داشت.

این که این نوشته‌ها تا چه حد می‌تواند موضع سیاسی رهبران و برگزارکنندگان مراسم را نشان دهد، سرچایش بماند، اما جدیت واقعه و ابعاد پیچیده‌ی آن زاویه دیگری از بحث است، که نمی‌شود به راحتی از روی آن گذشت. براساس آن چه آقای محقق در صفحه‌ی فیسبوکش به‌عنوان یک شاهد ادعا کرده، عمق فاجعه در زوایای پنهان دیگری است، که نگاه و باور هر منتقد اجتماعی را تغییر می‌دهد. آقای محمد محقق در صحبت‌های خود از برخورد تحقیرآمیز نیروهای امنیتی با قربانیان حادثه یاد نموده و تأکید کرد که نیروهای امنیتی با بی‌حرمتی تمام به اجساد قربانیان خندیدند و با لگد زدند. او گفت که نیروهای امنیتی به جای این که پاسدار ارزش‌ها و حفظ نوامیس ملی باشند، به ارزش‌های بخشی از مردم خاص کشور توهین می‌نمایند.

اگر ادعای آقای محقق در یک محکمه‌ی عادلانه و به‌دور از احساسات قومی و سمتی بررسی گردد، در صورت ثابت‌شدن این ادعاها می‌توان گفت که ما نه تنها به وحدت ملی نزدیک نشده‌ایم، بلکه در جدال میان تفاهم ملت‌شدن و دموکراسی وارد بحران جدید به نام تمکین از هویت قومی برای پوشش رفتار دموکراتیک در سطوح مختلف، گردیده‌ایم. هم زمان آقای خلیلی در صحبت با شبکه‌ی تلویزیونی یک، تصریح کرد که ستاد برگزاری مراسم از ماه‌ها قبل با نیروهای امنیتی در تماس بودند و آنان اطمینان می‌دادند که تمام جوانب امنیتی ساحه‌ی برگزاری مراسم، تحت کنترل است و هیچ نگرانی امنیتی وجود ندارد. او هم‌چنین گفته است، ساحه‌ای را که مهاجمان مسلح از آن برای سکوی جنگی استفاده نمودند، از سوی نیروهای امنیتی اطمینان حاصل شده بود و حتی نیروهای امنیتی به افرادی که مأموریت بررسی مسایل امنیتی برگزاری مراسم را به عهده داشتند در شب حادثه نگذاشتند تا آن ساحه را بررسی دوباره کنند.

این گفته‌ها در حالی صورت می‌گیرد، که برخی از شهروندان انگشت انتقام را به‌سوی حلقات مشخص در درون نظام سیاسی کشور نشانه گرفته و معتقدند که حلقاتی در داخل نظام به‌دنبال توطئه و تشریک مساعی با گروه‌های تروریستی به‌منظور برهم‌زدن وحدت ملی و اتفاق قومی در افغانستان می‌باشند.

با تمام این وجود و با در نظرداشت ابعاد پیچیده‌ی حمله بر مصلای شهید مزاری و کشتن افراد ملکی، آن چه مهم است، نبود دیدگاه واحد پیرامون مسایل کلان کشور و

**عامل اساسی و بنیادین که توانست نوع انسان را در محیط زندگی و طبیعت برجسته و مسلط نماید، ساختار و کارایی مغزشان بود. انسان‌ها مغز جیست‌وجوگر و دارای قدرت سنجش و تفکر داشت. ابزارسازی و ابتدا شناخت و استفاده از آتش بزرگ‌ترین امتیاز بود، که انسان‌ها نسبت به هر حیوان دیگر دارا بودند. انسان خردمند یل میدان این مبارزات گردید و با روحیه‌ی حاکمیت بر جهان مسلط شدند.**

روش مطالعه‌ی هراری زیست‌شناسانه و ژنتیکی است و از این روش برای تحلیل پدیده‌های تاریخی استعانت می‌گیرد. تغییرات اکوسیستم در طبیعت، انسان‌ها را به این وا می‌دارد تا مبارزه برای ماندن در طبیعت را پیشه‌ی اصلی کاری خود بسازند. انگیزه‌ی تسلط بر محیط و بقا روحیه‌ی تهاجمی را در انسان‌ها تقویت نمود و این موضوع سبب گردید با تمام توش و توان محل زندگی را فراچنگ بیاورند. عامل اساسی و بنیادین که توانست نوع انسان را در محیط زندگی و طبیعت برجسته و مسلط نماید، ساختار و کارایی مغزشان بود. انسان‌ها مغز جیست‌وجوگر و دارای قدرت سنجش و تفکر داشت. ابزارسازی و ابتدا شناخت و استفاده از آتش بزرگ‌ترین امتیاز بود، که انسان‌ها نسبت به هر حیوان دیگر دارا بودند. انسان خردمند یل میدان این مبارزات گردید و با روحیه‌ی حاکمیت بر جهان مسلط

## تاریخ بشر با روایت جدید از یووال نوح هراری

مهدی شیرزاد - بخش اول

بشر موجودی است با ابعاد بسیار پیچیده زیستی و زندگی. در بعد زیست انسانی، کیهانی از ناشناخته‌ها و اندک مطالب شناساست. این معلومات و اطلاعات نسبت کم، دانش بشری است که در بخش‌های مختلف، امروز به این جایگاه رسیده است. شناخت از طبیعت انسان، معلومات در مورد فزیک و کارکردهای مغز آن، شناخت امراض، طبابت و موثریت داروها بر عوامل امراض، می‌تواند گوشه‌ی کوچکی از این ابحار پرلایتم باشد. اما بعد زندگی انسان‌ها عالم دیگری است که تاریخ و فرهنگ پدیده‌های بزرگ آن و دست آورد عظیم بشری است. تاریخ بشر یکی از موضوعات گسترده و دارای زوایای آشکار و پنهان است، که برای درک آن نیروهای بزرگ انسانی در طول تاریخ، سرمایه‌ی به ارزش عمرشان هزینه نموده‌اند.

یووال نوح هراری، یکی از کسانی است، که هزینه‌ی بزرگ را در جهت درک و شناساندن تاریخ بشر نموده است. وی در اسرائیل و در شهر تاریخی اورشلیم دیده به جهان باز نموده است. طبع در محیط حاکمیت دین موسی و با عصبیت دنیای یهودیت بزرگ می‌شود. با امکانات خوب در نظم تعریف‌شده‌ی جمعی یهودیت و قوانین اسرائیل راه آموختن را می‌پایید. با سپری شدن فصول کودکی و نوجوانی و گذراندن دوره‌ی مکتب، مطابق قوانین آن جامعه و براساس درک ظرفیت‌ها و سلاقی‌شان وارد تحصیلات عالی می‌گردد. هراری دکترای تاریخ را از دانشگاه اکسفورد حاصل نموده و اکنون در دانشگاه عبری اورشلیم تاریخ جهان تدریس می‌کند. وی اندیشمند، تاریخ‌دان و تاریخ‌نگار است، که خلق تاریخ و اهمیت موضوع آن را به روایت متفاوت از روال متداول تاریخ‌نگاری، با ژرف علمی و تاریخی به آن پرداخته است. پژوهش‌های او در قبال چند پرسش علمی است. اول: چه رابطه میان تاریخ و زیست‌شناسی وجود دارد؟ دوم: آیا عدالتی در تاریخ هست؟ آیا انسان‌ها با افشای حقایق تاریخی خوشبخت‌تر شده‌اند؟ ثمر تحقیقات این پرفیسور نکته‌سنج، حداقل، چهار کتاب معروف و پرفروش (انسان خردمند، انسان خداگونه، بیست و یک درس برای قرن بیست و یک و پول) است، که به اکثر زبان‌های زنده و رایج دنیا ترجمه شده است.

یووال نوح هراری در نگارش تاریخ، روش تحلیلی و تجزیه‌ی موضوعات تاریخی را مطرح نظر دارد. داده‌های تاریخی با ارزش سنجی آن در چارچوب استدلال و منطق علمی کار شده است. بنیاد تاریخ و فرایند خلق آن را با صالت روند تکامل به بررسی می‌گیرد. توجه به اصول زیست‌شناسانه و درک زیست محیطی و دگرگونی‌های طبیعی در رابطه به موضوعات تاریخ بشر دغدغه‌ی مسلکی و علمی در کار تحقیقی هراری بوده است. تلفیق و تحلیل جریان تاریخ و قضایای تاریخی، روایت جدید را به وجود آورده است، که در تاریخ‌نگاری و چشم‌انداز علمی-تاریخی، هراری دیده می‌شود. فرایند تاریخ و تحولات تاریخی را با علل و عوامل طبیعی و واقعی بررسی می‌کند؛ دخیل نمودن ایمان و باورها را در این امر منتفی می‌داند و روح قوانین تکاملی را در هستی یک اصل می‌پندارد و سرنوشت تاریخ را به‌عنوان جزء، در این عالم از کهن‌ترین روزگار تا اکنون بررسی می‌کند. برخلاف روش معمول در تاریخ از دیدگاه انسان‌گرایان و تحلیل قضایای تاریخی براساس اسطوره‌های حاکم بر اندیشه‌ی بشر، روایتی را تبارز می‌دهد که در آن سنخیت میان اصول زیست‌شناسانه و تاریخ با روحیه‌ی تکامل‌گرایی مشاهده می‌گردد.

تئوری انفجار بزرگ و خلق ماده و انرژی تکیه‌گاه اساسی و علمی در نگاه هراری است. این نظریه فرایند پیچیده را از آغاز خلقت در هستی گام‌به‌گام شرح می‌دهد و در مرحله‌ی آن انسان‌ها پا در میدان هستی می‌مانند. یووال نوح هراری در میان حیوانات خانواده‌ی بزرگ را به بررسی می‌گیرد و در آن چندین گونه‌ی را معرفی می‌کند، که اعضای مهم این خانواده هستند. ارگاستر، ارکتوس، دنیسوا، ناندرتال و انسان خردمند انواعی هستند، که در این خانواده نام برده می‌شود. اما این گونه نیست، که در دوره‌ی مشخص در روی زمین گونه‌ی خاص از انسان زندگی می‌نمودند یا به شکل خطی تکامل داشته‌اند؛ بلکه انواع انسان‌ها همزمان در مناطق مختلف زندگی داشته‌اند.

## نگاه حقوقی به محتوای توافق‌نامه‌ی صلح میان امریکا و گروه طالبان

امیرپناهیان

پس از هژده‌ماه مذاکره میان نمایندگان امریکا و گروه طالبان، شنبه‌ی هفته‌ی قبل (۱۰حوت) توافق‌نامه‌ی صلح میان نمایندگان هر دو طرف در دوحه‌ی قطر امضا شد. این توافق‌نامه حاصل ۱۸ ماه مذاکره میان نمایندگان دو طرف بود، که توسط زلمی خلیل‌زاد، نماینده‌ی ویژه‌ی ایالات متحده‌ی امریکا در امور صلح افغانستان و ملا عبدالغنی برادر، معاون گروه طالبان و رییس هیأت مذاکره‌کننده این گروه با حضور نمایندگان کشورهای منطقه امضا گردید.

امضای توافق‌نامه واکنش‌های متفاوت رهبران سیاسی، فعالین مدنی، فعالین حقوق بشری و شماری از فعالین حقوق زنان را در داخل و خارج از افغانستان به همراه داشت. برخی از چهره‌های نزدیک به رییس‌جمهور غنی که طرف‌دار طولانی‌شدن پروسه‌ی صلح هستند، امضای توافق‌نامه را نادیده‌گرفتن جایگاه سیاسی دولت افغانستان در گفت‌وگوهای صلح عنوان نمودند اما برخی از چهره‌های شاخص سیاسی، امضای توافق‌نامه‌ی صلح را گام اساسی برای حل بحران خواندند و از آن استقبال کردند.

با این وجود اما کسانی بودند، که به‌دور از هیاهوی سیاسی و تبلیغاتی به محتوای این توافق‌نامه نگاه نموده و برداشت‌های‌شان را با مردم و رسانه‌ها شریک ساختند. بررسی متن توافق‌نامه می‌تواند کمک شایان برای فهم بهتر این متن و نیز ایجاد روابط نزدیک به محتوای متن را برای خواننده به دست دهد، از این رو به بررسی کوتاه برخی مواد این متن از نگاه دانش حقوقی می‌پردازم.

۱- عنوان توافق‌نامه‌ی صلح در خود متن توافق‌نامه چنین نگارش شده است: «موافقت‌نامه‌ی آوردن صلح به افغانستان میان امارت اسلامی افغانستان که امریکا آن را به‌عنوان دولت به رسمیت نمی‌شناسد و به نام طالبان شناخته می‌شود و ایالات متحده‌ی امریکا». نفس انتخاب عنوان توافق‌نامه از جهات مختلف محل اشکال حقوقی است. اگر امریکا طالبان را به‌عنوان دولت نمی‌شناسد و تأکید دارد که به نام طالبان می‌شناسد، چرا در متن توافق‌نامه از کلمه امارت اسلامی استفاده شده و قید توضیحی در آن اضافه گردیده است، که امریکا طالبان را با این نام (امارت اسلامی) نمی‌شناسد، بلکه با عنوان طالبان می‌شناسد؟

نام گرفتن از امارت اسلامی در متن توافق‌نامه می‌تواند به شکل غیرمستقیم امارت اسلامی را به رسمیت بشناساند. در موازین حقوقی، بحث مفهوم مخالف از جایگاه اساسی در تشخیص متن‌ها و تعریف حقوقی آن برخوردار می‌باشد. مفهوم مخالف امارت اسلامی که در متن ذکر شده و تأکید گردیده است که دولت

امریکا با چنین عنوانی به طالبان نگاه نمی‌کند، خود واضح و آشکار است که طالبان همان امارت اسلامی در معنی وسیع خود است.

۲- محورهای اساسی در این توافق‌نامه شامل میکانیسم‌های عملی برای جلوگیری از خاک افغانستان علیه منافع امریکا، زمینه‌های عملی برای خروج نیروهای خارجی از افغانستان، آغاز مذاکرات بین‌الافغانی در دهم مارچ و آتش‌بس جامع و دائمی برای ایجاد فضای اعتماد به‌منظور آغاز مذاکرات بین‌الافغانی می‌شود.

عنوان موافقت‌نامه، متنی است که به‌منظور آوردن صلح در افغانستان تدوین شده اما محتوای محورهای بحث در این موافقت‌نامه شامل موارد توافقی میان دو طرف مذاکره‌کننده (امریکا و طالبان) بوده و ارتباط اندک با مردم و سرنوشت جمعی افغانستان دارد. امریکا و طالبان با امضای این توافق‌نامه تنها محورهای مورد اختلاف خودشان را بحث و مطرح کرده‌اند اما به محورهای که مردم افغانستان برای رسیدن به ثبات سیاسی به آن‌ها نیاز دارند، کم‌ترین اشاره نشده است.

۳- این توافق‌نامه شامل سه بخش اساسی بوده و در بخش دوم آن مربوط به تعهدات طالبان مبنی بر جلوگیری از استفاده از خاک افغانستان علیه منافع ملی امریکا، اشاره شده است. در این بخش طالبان در پنج مورد مشخص تعهد کرده، که از خاک افغانستان علیه منافع امریکا هیچ استفاده تروریستی نخواهد شد. نفس تعهد طالبان مبنی بر عدم استفاده از خاک افغانستان توسط گروه‌های تروریستی در صورتی که همه‌چیز به مذاکرات بین‌الافغانی واگذار شده است، یک تعهد و تضمین بی‌جا و بدون پشتوانه‌ی حقوقی است. به این دلیل که در افغانستان تنها طالبان در مرکز تصمیم‌گیری نظام سیاسی نیست تا چنین تضمین کلی و ابهام‌آمیز را برای طرف‌های دیگر بدهد. در بند اول این بخش، طالبان تعهد کرده، که هیچ عضو این گروه و اعضای گروه‌های تروریستی دیگر مثل القاعده، اجاره‌ی استفاده از خاک افغانستان را علیه منافع ملی امریکا و متحدانش ندارند. بند دوم آن در بردارنده‌ی پیام طالبان برای گروه‌های هراس‌افکن است، که تأکید شده افغانستان جایی برای این گروه‌ها نیست. بند سوم هم شامل جلوگیری طالبان از جذب نیرو توسط گروه‌های هراس‌افکن بوده، که به‌نظر می‌رسد، به‌شدت غیر علمی و حقوقی نگاشته شده است.

زیرا طالبان براساس ادعای واشنگتن بخشی از دولت جمهوری اسلامی افغانستان خواهد بود و در مذاکرات بین‌الافغانی جایگاه آنان در بدنه‌ی نظام سیاسی کشور تعریف می‌گردد. حالا براساس کدام منطق حقوقی چنین تضمین و تعهدی از طالبان گرفته می‌شود، که آنان نباید اجازه‌ی جذب نیروهای

هراس‌افکن را در داخل افغانستان بدهند؟ آیا طالبان تمام قدرت در افغانستان است و حاکمیت بلامنزاع دارند یا بخشی از قدرت؟ اگر بخشی از قدرت سیاسی هستند، چه‌گونه می‌توانند به‌صورت کلی این تضمین را برای امریکا بدهند؟ اگر امریکا واقع در روابط با مردم افغانستان صادق است پاسخ بگوید که طالبان چه‌گونه چنین تضمین‌های کلانی را برای امریکا می‌دهند؟ در حالی که بر اساس ادعای ایالات متحده‌ی امریکا آنان باید در بدنه‌ی نظام سیاسی کشور هضم شوند.

بند چهارم این بخش در بردارنده‌ی تعهد طالبان مبنی بر برخورد با گروه‌های که در افغانستان پناه می‌گیرند بر مبنای قواعد بین‌المللی مهاجرت و مواد توافق‌نامه‌ی کنونی می‌باشد. متأسفانه این بند از بخش دوم نیز به‌صورت مطلق از طالبان به‌عنوان یک قدرت بلا منازع بالقوه در افغانستان می‌خواهد که به امریکا تضمین این گروه‌ها را بدهد و جالب‌تر از همه این است، که از طالبان خواسته شده بر مبنای قواعد بین‌المللی مهاجرت با گروه‌های پناه‌گیرنده در افغانستان برخورد نمایند. نفس این جمله نشان می‌دهد، که امریکا از همین حالا طالبان را به‌عنوان یک دولت مقتدر با پایه‌های وسیع بین‌المللی در سطح جامعه‌ی بین‌الملل پذیرفته است و این به معنی حاکمیت مطلق امارت اسلامی بر جمهوری اسلامی افغانستان می‌باشد.

بند پنجم این بخش از همه جالب‌تر و قابل تأمل‌تر است. در این بند طالبان تعهد داده‌اند که به گروه‌هایی که امنیت امریکا و متحدان آن‌را تهدید می‌کنند ویزه، پاسپورت، جواز سفر یا هیچ نوع اسناد قانونی نخواهد داد که آن‌ها بتوانند وارد افغانستان شوند.

این عبارت به‌صورت واضح نشان می‌دهد که طالبان از سوی ایالات متحده‌ی امریکا به‌عنوان یک دولت مقتدر پذیرفته شده و از آنان تعهد گرفته شده تا براساس منافع امریکا و متحدانش در خاورمیانه و آسیا عمل کنند. اگر طالبان به‌عنوان امارت اسلامی (چیزی که در توافق‌نامه به‌صورت ضمنی پذیرفته شده) در افغانستان وارد شوند، ذهنیت عمومی جامعه و لایه‌های مختلف فکری که در بیست سال گذشته رشد و در وهله ظهور رسیده‌اند، به‌صورت خودجوش علیه حاکمیت امارت اسلامی واکنش نشان داده و منجر به بحران فراگیر در کشور خواهد شد.

امریکا اگر واقع به‌دنبال صلح و ختم خشونت‌ها در افغانستان است، بهتر بود در مشوره با چهره‌های سیاسی برای اجماع داخلی در کشور بسیج عمومی راه‌اندازی می‌کرد و با پنهان‌کاری‌های ملموس در پروسه صلح، بحران کنونی را بیشتر از این عمیق و فاجعه‌بار نمی‌ساخت.

